

سائیمانتالیسم روی صحنه

صادقی کیمیا - «آخرین عاشق» با ورود مردی بلند قامت که ساعتی را از محل کار خود مرخصی گرفته و به منزل مادرش آمده آغاز میشود. شخصیت اصلی داستان دچار سندروم بی ثباتی عاطفی است و به دنبال داشتن رابطه عاطفی جدید، قصد تغییر و تحول در زندگیاش را دارد. شخصیت اصلی داستان با الگوی رفتاری خود و دیگر بازیگران زن که در نقش مهمان بر روی صحنه حاضر میشوند، سعی در ارائه نمایش سائیمانتالیسم با احساسات گریه را دارند دکور نمایش از نقاط مثبت آن به شمار می رود که با نورپردازی و طراحی لباس که مکمل های یک اثر هنری خوب به شمار می رود، در نگاه اول مخاطب را جذب خود می کند. داستان در یک خانه اتفاق می افتد و تغییر دکور و میزانی خاصی در طول نمایش دیده نمی شود. بازیگران در صحنه های که به یک خانه قدیمی شبیه است، داستان را پیش می برند. اختلالات روانی اسکیزوفرنی، سیدایی و دو قطبی، مخاطب مجاب میکند که پای تئاتر «آخرین عاشق» بنشینند و راضی سالن را ترک کنند. به بهانه اجرای تئاتر «آخرین عاشق» نادر دلشاه، کارگردان و سحر اسدی، بازیگر، از جالشهای اجرای این تئاتر بار و زنامه صبا گفت و گو کردند.

نادر دلشاه:

دوست ندارم از چهره ها در تئاتر استفاده شود نادر دلشاه، که از سال ۹۸ وارد عرصه هنرهای نمایشی شده است. آثار «تیل سلیمون» را از جمله داستان های محبوب خود میداند. او درباره چالشهای کارگردانی تئاتر «آخرین عاشق» سخن گفت.

از این سوال شروع کنیم که چرا آثار «تیل سلیمون» برای شما جذابیت دارد. چه چیزی در نمایشنامه های «تیل سلیمون» باعث شده است که به عنوان نویسنده محبوب خود از او یاد کنید؟

نمایشنامه های «تیل سلیمون» در ایران اجراهای زیادی داشته است و خودم تئاترهای زیادی از جمله کله پوک ها، پزشکی تازتین و هتل پلازا و... را که اثری از «تیل سلیمون» بوده است، در ایران دیده ام. اما داستان «آخرین عاشق» از سری نمایشنامه هایی بود که تاکنون هیچ اجرایی در ایران نداشته است. داستان «آخرین عاشق» چه موضوعی را برای مخاطب دارد و چه روایتی برای مخاطب دارد و به نظر شما چرا نمایشنامه ای جذاب است که قابلیت اجرا بر روی صحنه را پیدا کرده است؟ «آخرین عاشق» داستان مرد متاهلی است که قصد دارد حال و هوای جدیدی را در زندگی اش ایجاد کند و تلاش هایی را نیز در این زمینه دارد اما در نهایت متوجه می شود که باید به سمت خانواده خود بازگردد. این نمایش، کار بسیار سختی بود و به دلیل ممیزی هایی که داشت، به سختی توانستیم مجوزهای اجرا بگیریم.

چه چیزی در نمایشنامه های «تیل سلیمون» برای شما جذاب است که ترغیب به ساخت تئاتر با نمایشنامه های «تیل سلیمون» شد بد؟ اینکه قضاوت تدارک در نمایشنامه های «تیل سلیمون» مخاطب نمیتواند قضاوتی داشته باشد و درست و غلط را

تشان تمی دهد بلکه هر کسی یک برداشت دارد و من این را در نمایشنامه بسیار می پسندم. از طرفی حال خوب و شوخ طبعی هایی که در داستانهای «تیل سلیمون» وجود دارد و جلب یوده و برای مخاطب، حوصله سر بر نخواهد بود. خوشبختانه در اجراهایی که این مدت داشتیم نیز مخاطبان با بسیاری از دیالوگ ها می خندیدند و لذت می بردند.

استقبال را چطور دیدین؟ با توجه به اینکه تئاتر شما چهره ندارد، و در کنار تئاترهای پر مخاطب استقبال خوب بود؟

به نظر من مخاطبان استقبال خوبی نداشتند و از آنجایی که من در سینما و تئاتر شناخته شده تیستم، به نظر من آن گونه که باید، استقبال نشد اما همه آثهایی که به دیدن تئاتر آمده بودند، سالن را راضی ترک کردند.

در چند ماه اخیر، تئاترهایی را بر صحنه داشتیم که با حضور هنرمندان و چهره ها، توانستند فروش خوبی داشته باشند. چقدر با حضور چهره ها در تئاتر موافق هستید؟

من خیلی دوست ندارم که بازیگر چهره یخواهد در کار تاثیر بگذارد. به نظر من بازیگر چهره نباید عیار کار باشد. بلکه در مرحله اول متن مهم است و بعد از آن تیمی که کار را روی صحنه می برد دارای اهمیت است و من که خودم تازه کار هستم فکر نمی کنم که بتوانم فعلا یا بازیگران چهره را کار کنم. برخی از بازیگران چهره فقط مخاطب یا خود می آوردند که شاید تماشاگر تئاتر نباشند و من این را نمی پسندم. جالب است بدانید که حتی در تبلیغات هم، برایشان این مهم است که آیا از چهره استفاده شده است یا خیر. قبلا می گفتند که تئاتر فضای هنری دارد اما الان تئاتر هم به عنوان بیژینس به شمار میرود. وقتی تئاتر یا بلیط هفتصد تومانی به فروش میرسد به یک روال عادی میرسد. خیلی وقتها هم بعضی از تهیه کنندگان یا فروش بلیطها در بازار سیاه، درآمدزایی میکنند. اگر تقاضا نباشد میتوان رویه را عوض کرد.

اگر بخواهید مخاطب را به تماشای تئاتر «آخرین عاشق» دعوت کنید، چه میگویید؟ در ایران تاکنون چنین نمایشنامه های کار نشده است و لیدوارم که مخاطبان برای نمایش حضور پیدا کنند و لذت ببرند.